

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## ویژگی‌های قهرمان در داستان‌های محمدرضا بایرامی

دکتر عبدالله ولی پور

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

a.valipour@pnu.ac.ir

سهیلا منافی

دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

Soheyla1369manafi@gmail.com

### چکیده:

سرزمین ایران به دلیل پهناوری و موقعیت مکانی با ارزش از دیرباز تا به امروز با کشش‌ها و جنگ‌های فراوانی رو به رو بوده است و ایرانیان به همین سبب در عرصه پهلوانی و قهرمانی سرآمد دیگر ملت‌ها هستند. یکی از نمونه‌های این پهلوانی و قهرمانی کتاب شاهنامه فردوسی می‌باشد. صفت قهرمانی اغلب با صفت پهلوانی عجین شده و از این رو در داستان‌ها و روایات مورد توجه قرار گرفته شده است و به نیکی یاد می‌شود. هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های قهرمان در داستان‌های محمدرضا بایرامی است. در آثار محمدرضا بایرامی قهرمان فردی با اعمال نیک و دارای صفت پهلوانی بیان شده است در صورتی که در داستان، این شخصیت محوری است که می‌تواند شخص خوب و بد را مورد قیاس قرار دهد. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و به شکل کتابخانه‌ای می‌باشد که پس از خواندن داستان‌ها و کتب نظری در زمینه ادبیات داستانی به بررسی و تحلیل ویژگی قهرمان ابعاد مختلف پرداخته شده است. ابزارهای استفاده شده در این پژوهش پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، آزمون، فیش، نمونه‌برداری و غیره می‌باشد. نگارندگان پس از بررسی داستان‌های محمدرضا بایرامی به این نتیجه دست یافتند که در این داستان‌ها، شخصیت یابی و شخصیت پردازی قهرمان و خوی و رفتار اجتماعی آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و مفاهیمی مانند دانایی، عدالت، راستگویی، قناعت، کمک به هم‌نوع، اعتماد به نفس، برعهده گرفتن کارها و کمک کردن، حرف شنوی، شجاعت، مودب بودن و ... از جمله مفاهیمی است که بیشترین بسامد را در آثار نویسنده دارد.

**کلیدواژه‌ها:** قهرمان، پهلوان، داستان، شخصیت، محمدرضا بایرامی.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## 1- مقدمه:

کشور عزیز ما ایران از روزگاران بسیار کهن مهد کشورهای با تمدن بوده است و این گفته را وجود پیشینه و تاریخ عظیم کشورمان و مردانگی و شجاعت اسطوره‌های این سرزمین که نسل به نسل دلاوری و شجاعت این اسطوره‌ها نقل شده و به یادگار مانده است را ثابت می‌نماید. اغلب داستان‌های نقل شده از دلیری و شجاعت در سرزمین عزیزمان به دلیل نبود مستندات افسانه فرض شده است اما در بیشتر اوقات قهرمانی بیشتر با صفت پهلوانی در داستان‌ها و آثار شاعران و ادیبان کشور بیان می‌گردد. در حالی که بین این دو تفاوت آشکاری وجود دارد. صفت قهرمانی به فردی اطلاق می‌شود که چهره ملی بوده و در سطح کشور و حتی در سایر کشورها با زمینه‌های فعالیت درخشان خود جزء مفاخر و شخصیت علمی، ورزشی و... قرار گرفته باشد و موجب سطح ارتقاء و مشهوریت کشورمان می‌شود. به طوریکه آوازه نام آنان هیچگاه فراموش نمی‌شود که به عنوان مثال می‌توان در سال‌های اخیر سردار رشید اسلام سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی را اسوه شجاعت، ایثار و قهرمان ملی نامید.

در جوامع بشری و ادوار گذشته تاریخ، همیشه بزرگان و اندیشمندیان بوده و هستند که توانسته‌اند با اثراتی که از خود در عرصه‌های گوناگون علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ادبی بر جای بگذارند، الگوی مناسبی برای سایر افراد جامعه باشند. ادبا و نویسندگان از جمله این افراد هستند که می‌توانند با خلق خود احساس نویسندگی در جامعه ایجاد کنند و همچنین با نوشتن متن‌های ادبی جذاب و گیرا در عرصه‌های مختلف مثرمتر باشند.

در حماسه‌ها و اسطوره‌ها قهرمان کسی است که ویژگی‌های نیک، همراه با اعمال پهلوانی دارد و در داستان شخصیت، مرکزی است که می‌تواند شخصی خوب و بد باشد. شخصیت یکی از عناصر مهم در داستان و بازتاب تصورات و اندیشه‌های نویسنده است. نویسنده با خلق اشخاص زنده و واقعی از محیط پیرامون خود و وارد کردن آن‌ها در دنیای داستانی‌اش، سعی می‌کند با مخاطبانش رابطه‌ی تأثیرگذار و جذاب و ماندنی برقرار کند و به نوعی افکار و اندیشه‌های خود را در وجود شخصیت‌های داستانی خود بیان کند. در داستان‌های کهن قهرمان باید شاخص‌های قهرمانی داشته باشد. قهرمان جنگجو برتری خود را در میدان نبرد اثبات نماید و خیر دلاوری ایشان به همه جا منتشر شود تا بتواند ابعاد اجتماعی خود را ارتقا بخشد و به عنوان فردی آزاد بهره‌بردار، دلاوران و قهرمانان جاهلی در وجود خویش، گونه‌ای گرایش، به رزم و قدرت نمایی احساس می‌کردند و در عین حال سرعت نیز برایشان اهمیت داشت و اسب را به عنوان مرکب خویش انتخاب می‌کردند. (عبدالله، ۱۳۸۰: ۴۴۰).

در این مقاله عمده تلاش ما بر بررسی آثار دکتر محمد بایرامی و تعیین شاخص‌های ذکر شده در آثار ایشان برای پهلوانان و قهرمانان و تفاوت بین این دو می‌باشد. محمد بایرامی شخصیتی فرهیخته بوده و به دلیل زندگی هم در دوران جنگ و شرایط وخیم و هم در زمان صلح و آرامش و آسایش موجود واقع‌گرا می‌باشد اما آنچه که واضح است عشق و مودت این نویسنده فرهیخته به وطن خویش ایران عزیز و همچنین زادگاهش و توصیف زیبایی‌های طبیعت می‌باشد.

## 3- پیشینه پژوهش:

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در مورد این مقاله هیچ پژوهشی انجام نیافته است ولی کارها و پژوهش‌های ادبیات داستانی صورت گرفته است.

## 4- بحث و بررسی

### 4.1. افسانه

افسانه « فسانه/ اوسانه» که ظاهراً افسون به معنی (سحر، ساحره و...) معروف می‌باشد اما در داستان‌های کهن فارسی به معنی «حکایت گذشتگان» است. بدین سان در تعریف از افسانه به دو مورد می‌رسیم: اول، قصه یا روایتی که پایه و اساس تاریخی داشته و در پیرامون شخص یا محلی تاریخی دور می‌زند، ولی آراسته به شاخ و برگ‌های تخیلی و ساختگی فراوان است. از این نوع افسانه‌ها در ادبیات فارسی می‌توان به حمزه نامه، سمک عیار، ابومسلم نامه، مختارنامه، اشاره کرد. دوم، غیرواقعی، داستانی که در آن انسان‌ها، جانوران، اشیاء، یا موجودات تخیلی ماجراهای مختلف باور نکردنی خلق می‌کنند. اما در تعریف دوم، بیشتر در ادب فارسی، به ویژه در قصه‌های عامیانه که عموماً تخیلی و غیرواقعی اند می‌توان آن‌ها را افسانه‌های عامیانه نیز نامید، از آن یاد می‌شود که آغاز آن با افسانه‌های کهن اروپایی به عرصه ظهور مبدل گشته است (انوشه، 1375: 107). میرصادقی برای افسانه‌های ایرانی چندین ویژگی برشمرده است که عبارتند از: خرق عادت، پی رنگ، ضعیف، مطلق گرایی، کلی گرایی، ایستایی زمان و مکان فرضی همسانی بیان شخصیت‌ها، شگفت آوری، استقلال یافتگی حوادث، کهنگی (صادقی، 1376: 61).

### 4.2. اسطوره

در یک داستان تاریخی همیشه شخصیت‌هایی خارق العاده و دارای نیرویی فرا انسانی با قابلیت‌ها و ویژگی‌ها و روحیات جوانمردانه و پهلوانی وجود دارد. چنین شخصیت‌هایی نقش اول داستان و اسطوره نامیده می‌شوند. اسطوره‌ها در جوامع بشری از آغاز حیات بشر پدیدار شده‌اند. آن‌ها همواره بخشی از تصور انسان از جهان پیرامون خود بوده‌اند. اسطوره‌ها به طور کلی بیشتر به فرم روایت مقدس دریافت می‌شوند. خدایان و قهرمانان افسانه‌ای به اجداد ما گفته‌اند که چگونه رفتار کنند. تعریفی چند از اسطوره و عناصر اسطوره‌ای هست، اما اکثر نویسندگان معتقدند که روایت‌هایی مقدس برخاسته از اسطوره جوامع مختلف است (مالینوفسکی، 1984: 197).

برای اولین بار در سال 1870 در مطالعات فرهنگ عامه، اسطوره قهرمان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نقش اسطوره افسانه‌ها هنوز اعتقادات اجداد ما را انتقال می‌دهند؛ اما به این معنا نیست که اسطوره از آگاهی ما ناپدید شده؛ بلکه به عکس هنوز هم در سطوح مختلف جامعه وجود دارد. در کتاب شناخت اساطیر ایران آمده است: اسطوره در زبان معاصر، به معنای «خیالی و غیرواقعی» است، اما در فرهنگ آکسفورد؛ به معنای «روایتی که جنبه افسانه‌ای محض دارد شامل می‌شود که در این نوع داستان‌ها واقعیتی در کار نیست بلکه معنا و مفهوم الاقی رایج می‌باشد».

### 4.3. قهرمان

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

واژه قهرمان در آثار ادبی که شامل شخصیت اصلی داستان می‌باشد، به فردی اطلاق می‌شود که در کانون مورد بحث از توجه ویژه‌ای برخوردار است. قهرمان با صفات برجسته والای اخلاقی و با خصوصیات خارق‌العاده ظاهر شده است (صادقی، 1376: 217) و به فردی اطلاق می‌گردد که از خصوصیات بارز و والاتری بهتر از افراد عادی برخوردار است. کادن می‌گوید: «در ادبیات کلاسیک قهرمان به صورت انفرادی بیان شده و از صفات قوی، بی‌پروا، شجاع و قادر به انجام اعمال ماجراجویانه و مختص قهرمانان» یاد می‌شود (کادن، 1380: 46) اما در بیان واژه ضدقهرمان که آن را شخصیت مخالف نیز نامیده‌اند، شخصیت شروری است که معارض شخصیت اصلی (قهرمان) می‌باشد.

واژه قهرمان یا پهلوان به انسانی شجاع و برجسته با قدرت فراطبیعی بیان شده و چهره‌های شاخص ادبیات به اصطلاح قهرمانی دلالت می‌کند. پهلوانان به توانایی و دلیری شهره یافته‌اند (کریستن‌سن 1368: 124-125).

در مورد قهرمان اسطوره‌ای، برجسته‌ترین اسطوره‌شناسان یعنی ژوزف کمبل، اتورنک و لردراگلان به مهم‌ترین چارچوب نظری کهن نمونه قهرمان پرداخته‌اند (سگال، 2005: 12).

کمبل کتاب جامع و کاملی تحت عنوان «قهرمان هزارچهره» نگاشته است و رنگ نیز کتابی دارد به نام اسطوره تولد قهرمان. این دو پژوهنده تقریباً تمام قهرمانان اساطیر ملل را مورد بررسی قرار داده‌اند هرچند که به طور کلی این دو پژوهش به نتایج مشابهی می‌رسند، اما بی‌گمان می‌توان میان آن‌ها تفاوت‌هایی قائل بود. برخی از قهرمانان اسطوره و افسانه کاملاً ساختگی هستند. سایر شخصیت‌های تاریخی به سطح قهرمانان افسانه‌ای رسیده‌اند و یا چنین شده که توسط نویسندگان و یا مردم شاخ و برگ یافته‌اند. به نظر می‌رسد سفر قهرمان در ده‌ها اسطوره، حماسه و افسانه پدیدار می‌شوند. مراحل تشریف قهرمان در جهانی غیر از جهان ما رخ می‌دهد. افسانه‌ها در گذشته‌ای نه چندان دور از مهاجرت، جنگ‌ها و پیروزی‌ها، اعمال قهرمانان گذشته، سران و پادشاهان و جانشینی سلسله‌های حاکم می‌گویند. به باور کارل ایل، اسطوره قهرمان، داستان‌هایی در مورد قهرمانان الهی، دینی است. تمایز میان قهرمانان و خدایان مرتبه خدایان را پایین نمی‌آورد، بلکه ترفیع انسان به جایگاه خدایان است. معمولاً شکاف بین انسان و خدا غیرقابل عبور است، اما استثنائاتی وجود دارد مانند هراکلس و عیسی مسیح. قهرمانان از ویژگی‌های مشترکی برخوردارند که از کهن الگوها یا ناخودآگاه جمعی بشر خبر می‌دهند. با مقایسه و تطبیق قهرمان اسطوره‌ای می‌توان تا حدودی با محتویات ناخودآگاه جمعی بشر آشنا شد و برای روشن ساختن گوشه‌های تاریک اجتماعی کهن و پی بردن به طرز تفکر و اعتقادات مردمان دوران باستان کمک گرفت. قهرمان با پیروزی نهایی‌اش، باروری، برکت و رستگاری را موجب می‌شود. این همان عمل بزرگی است که مردمان عادی در انجام آن ناتوان‌اند. «قهرمان کسی است که زندگی خود را نثار چیزی بیش از خودش کرده است». اسطوره قهرمان رایج‌ترین و شناخته شده‌ترین اسطوره‌هاست. قدرت‌های پشتیبان یا نگهبانان ناتوانی اولیه قهرمان را جبران می‌کنند و وی را قادر می‌سازند تا عملیات خود را که بدون یاری گرفتن از آن‌ها نمی‌تواند انجام دهد، به سرانجام برساند. باید توجه داشت که حال و هوای سرگذشت قهرمانان با روند انکشاف خویشتن خودآگاه فرد و مشکلی که در لحظه‌ای خاص از زندگی خود با آن می‌شود انطباق دارد. به بیانی دیگر، تحول قهرمان در هر مرحله از تحولات شخصیت انسانی بازتاب می‌یابد.

## 4. 3. 1. قهرمانان ملی و دینی ایرانیان بعد از ورود اسلام

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پس از اسلام، ایرانیان از جهات مختلف برای احیای هویت ملی و دینی شان تلاش کردند اما یکی از مهم‌ترین ایده‌ای که اسباب بازیابی هویت از دست رفته ایرانیان را بیش از هر چیز دیگر فراهم کرد، استعداد و نبوغ آن‌ها در پرورش قهرمان‌های ملی و دینی و در رأس آن‌ها رستم دستان و حیدر کرار (ع) به عنوان مهم‌ترین نمایندگان هویت ملی و دینی بود (دقانی، 1381: 63-64). با رواج ادبیات حماسی در گردآوری حماسه‌های ملی که دنباله خدای نامه نویسی در دوره ساسانی بود، ایرانیان قهرمان‌های ملی خود را در دوره اسلامی بدست آوردند. کاوه، فریدون، رستم و اسفندیار، رایت جمشید را در سپهر افسانه و حماسه برافرازند. از طرفی ایرانیان از بین مشاهیر دین از ازل به خاندان رسول و اهل بیت پیامبر(ص) قریب به اتفاق حمله‌هایی که در دوره سلطه اعراب بر ایران به انگیزه قیام علیه خلیفه وقت و استقلال طلبی انجام شد داعیه خون خواهی و حق خواهی آل رسول شعار اصلی و مبنای جنبش بود (زرین کوب، 1389: 73-147).

اهل بیت پیامبر از آنجا که میان اعراب و موالی فرقی نمی‌گذاشتند و میان ایشان به برابری رفتار می‌کردند به زودی میان ایرانیان محبوبیت و شهرت یافتند (جعفریان، 1375: 728). به این خاطر ایران به یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تفکر شیعی تبدیل شد و گرچه این پایگاه برای مدتی با فشار خلیفه‌های عباسی از تب و تاب افتاد اما در نهایت به زندگی خود ادامه داد و رفته رفته قدرت گرفت. از جهتی دیگر جهان بینی شیعی به باورهای دینی آبا و اجداد ایرانیان نیز نزدیک بود و این امر در نفوذ گرایش‌های شیعی در ایران خیلی بی‌تأثیر نبود. زرین کوب می‌نویسد: برخی از پژوهشگران اعتقاد دارند که مسأله امامت برای علی و اولاد او که پایه مذهب شیعه است نیز ناشی از عقاید و افکار عهد ساسانی است که فرقه خدایی و حق سلطنت را فقط از آن خود می‌دانند. شاید بیان این مطلب به این صورت خالی از مبالغتی نباشد اما فکر نص امامت از سمت خدا برای ایرانیانی که ایزدی باتقوا بودند از فکر اجماع و انتخاب خلیفه قطعا معقولتر بوده است. با آن همه اگر این دعوی درست نباشد و عقاید شیعه و قدریه تا اندازه‌ای از عقاید و آرای مجوس مایه نگرفته باشد این قدر هست که دین مسلمانی زیادی از آداب و عقاید وجود داشته است که با عقاید کهنه مجوس سازگار بود (زرین کوب، 1389: 267-266).

## 4.3.2. قهرمان از نظر دیدگاه امروزی

در وصف قهرمان امروزی حرف‌های متعددی برای همگان درک شده بود و از توجه ویژه‌ای برخوردار است. صرف نظر از اینکه، قهرمان از دیدگاه امروزی به کسی یا کسانی اطلاق می‌شود که در میادین ورزشی و در رخدادهای علمی و برای کشورشان افتخار آفرین باشند. اما مردم قهرمان واقعی را همان رزمندگانی می‌دانند که داوطلبانه در طول هشت سال دفاع مقدس و نیز در محور مقاومت در دفاع از حرمین شریفین در مقابل قدرت‌های جهان شجاعانه ایستادند و با این حرکت آرامش و امنیت را در میهن خود برقرار کرده‌اند، می‌دانند. اغلب با نگرش به دوران جنگ تحمیلی که با رشادت و از جان گذشتگی مردم توأم بود. برای مردم و علاقه مندان یادآور دوران نیک را تداعی می‌نمود. بنابراین این نوع داستان‌ها بیشتر در ادبیات ما نهفته بود و شور و شوق به این سمت و سو کاملا مشهود عجین است.

## 4.4. معرفی محمد رضا بایرامی

محمد رضا بایرامی یکی از چهره‌های نام آشنا در عرصه ادبیات کودک و نوجوانان در ایران به شمار می‌رود. اغلب مجموعه آثارش برگرفته از پیام‌های آموزنده، اجتماعی، اخلاقی، آموزشی و تربیتی تبیین شده است. علاوه بر اینکه وی در حوزه ادبیات داستانی جزء

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نویسنده برتر محسوب شده، بنابراین یکی از افتخار آفرینان خطه اردبیل و تهران می‌باشد. این نویسنده ارزشمند با تدوین مجموعه «کوه مرا صدا زد» توانست ادبیات کودک و نوجوان مان را در کشورهای دیگر زنده کند. سر این کتاب به نگاه عمیق او به زندگی بر می‌گردد که هیچ احساس تصنع و تکلف و نویسنده بودن، در آن نیست. این کتاب برجستگی خاصی در نماد ادبیات روستایی برای قشر نوجوان حکایت داشته و به نوعی موجب رشد و گسترش فرهنگ روستایی گردیده است. (بایرامی، 1388: 42).

این نویسنده ارتباط خوبی در گروه‌های سنی داشته است، با وجود این که بیشتر مخاطبانش کودک و نوجوان است اما شیرینی داستانش موجب می‌شد تا گروه‌های مختلف به سمت و سوی داستان او سوق داده شوند. (احمدی، 1387).

سه محور اصلی در داستان و روایت بایرامی قابل مشاهده بوده که شامل «اخلاق»، «جامعه» و «جغرافیا» می‌باشد. در مشاهده کتاب «قصه‌های سبلان» نوشته بایرامی، می‌توان به نوعی نگاه آشکارا به پیشینه و اصالت این نویسنده ارزشمند یافت. وی در سال 1344 در دامنه کوه سبلان و در روستای «لاطران» توابع استان اردبیل چشم به عرصه جهان باز نمود. از آثارهای محمدرضا بایرامی میتوان به کوه مرا صدا زد، کلاغ‌ها، آواز گم شده، به دنبال صدای او، قربانی، عیدی مادر بزرگ، وقتی که کولی‌ها برگشتند، دود پشت تپه، روز تولد، تفنگ و رعد یکبار غرید اشاره کرد. در بیشتر داستان‌های کهن و همچنین در داستان‌های بایرامی قهرمان با مشکلات زیادی نظیر جنگ غول، عبور از موانع و مکان‌های صعب‌العبور، برخورد با معشوقه، فداکاری و ایثار، مبارزه با سپاهی از دشمنان و... روبه‌رو می‌شود و در نهایت با عبور از تمامی این موانع به درجه‌ای از کمال و خوشبختی و خوشنامی می‌رسد که به اسطوره تبدیل شده و قهرمان ملی و مایه‌ی افتخار یک ملت کهن می‌شود.

## 4. 5. تولید شاخص‌های قهرمان

### • جنگاوری و رشادت

قهرمان جنگجو برتری و خود را در میدان نبرد اثبات نماید و خبر دلآوری ایشان به همه‌جا منتشر شود تا بتواند بعد اجتماعی خود را ارتقا بخشد و به عنوان فردی آزاد بهره‌بردار.

### • نقش عمده داشتن حیوانات

دلاوران و قهرمانان جاهلی در وجود خویش، گونه‌ای گرایش، به رزم و قدرت‌نمایی احساس می‌کردند و درعین حال سرعت نیز برایشان اهمیت داشت. اسب را به‌عنوان مرکب خویش انتخاب می‌کردند. (عبدالله، ۱۳۸۰: ۴۴۰). این فضای گسترده جنگی به دنبال آن رد پای عناصر جنگی و اساطیری چون اسب یا حیوانات دیگر مانند شتر در میان عرب‌ها، قهرمان حماسه را طی سفر قهرمانی همراهی می‌کنند و نماد وفاداری به قبیله و قهرمان، قدرت و سرعت معرفی می‌شوند.

### • کشته شدن هیولا یا جانور مهیب به دست قهرمان

قهرمان آن‌گونه از پهلوانی‌ها و یاری کنندگانش می‌سراید که شعرش را به الگوی سفر قهرمان با هدفی مشخص نزدیک می‌کند. قهرمان حماسی دلآوری‌هایش را در جنگ می‌ستاید و خود را شهبسواری فرض می‌کند که به جنگ اژدها و موجودات مافوق خود رفته است و عمق ضربه نیزه خود را با صدای خروج خون از دهانه این زخم، به تصویر می‌کشد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- قهرمان قومی و ملی بودن شخصیت حماسه

سپر یاران در قبال دشمنان می‌شود و سواران فریاد بر سر می‌دهند و جانس را شفا و درد، رنجش را التیام می‌دهد.

- خارق‌العاده بودن اعمال قهرمان

قهرمان، در قالب محدودیت‌های انسانی خویش نه فراتر از محیط زیست و در محدوده نقد اجتماعی و نظام طبیعت خود دارای اقتدار، عواطف و قدرت بیانی به مراتب بیشتر از انسان عادی است که او را به قهرمانی خارق‌العاده برای قومش تبدیل می‌کند.

- کردارهای بزرگ و ملی قهرمان

قهرمان علاوه بر شجاعت، جوانمردی و عشق به وطن، خود را همراه همیشگی خود می‌داند و این مبحثی است که در شاهنامه پیوسته ستایش شده و جز جدایی‌ناپذیر قهرمان شمرده می‌شود.

- استفاده از انواع سلاح، ادوات و اصطلاحات جنگی

جوشن، زین، کمان، نیزه، سنان، زره، یلند، تیغ هندی، جوشن پوش، غنیمت جنگی، جنگجوی تمام سلاح، پهلوانان، زره حلقه‌حلقه، تیز و برنده و تیرانداز در ادبیات.

- عینیت، اقتدار، عظمت و سادگی و راست‌نمایی

در تمامی ادبیات به چشم می‌خورد تمامی مضامین سروده‌اش را کلمه به کلمه، با مثال‌های عینی و باصلاحت بیان می‌کند، سخن از سستی و تر دیدنی است قاطعیت و اقتدار قهرمان داستان حرف اول را می‌زند، چه در سوبه قهرمان داستان و چه ضدقهرمان.

- مرحله تشرف

در این مرحله قهرمان، قدم در مسیر آزمون می‌گذارد و در هر مرحله آن با چالش‌هایی دشوارتر روبرو می‌شود و کم‌کم پختگی لازم را برای درک نیروهای بالقوه رود به دست می‌آورد ...

## الف. عزیمت

نخستین مرحله در طرح کمپیل مرحله عزیمت است. این مرحله شامل پنج مرحله دعوت به آغاز سفر، ردّ دعوت، امداد غیبی، عبور از نخستین آستان و شکم نهنگ می‌شود.

- دعوت به آغاز سفر

وجه مشترک زندگی همه قهرمانان، برای جستن معنا و ارزشی در زندگی است که به جای تعادل، هیجانی در زندگی آنان ایجاد می‌کند. این هیجان یکی از لوازم انکارناپذیر روان است، زیرا به گفته نیچه: «آدمی برای چرای زندگانی خود پاسخی داشته باشد، کم و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بیش با هر چگونگی می‌سازد» ( نیچه 4:1387، 71 ). انسان برای دست یافتن به زندگی مسئولانه، صادقانه، خلاق و سازنده، باید از بحر آن‌های روحی روانی و تنهایی که گاهی با نومییدی همراه است، بگذرد. در چنین شرایطی، قهرمان باید پا در راه آزمون‌های دشوار بگذارد و برای عبور از هر یک، طرحی درست بریزد. او در پی شنیدن ندایی که به گوش هرکسی نمی‌آید، از آرامش زندگی کناره می‌گیرد و به تنهایی راه دشوار مشکلات ناشناخته را می‌پیماید. عزیمت به سوی دنیای درون و کشف چند و چون آن، با حضور نمادین یک پیک آغاز می‌شود که پیام او، دعوت به آغاز سفر است.

## • رد دعوت

گاهی دعوت، بی پاسخ می‌ماند و فرد قدرت انجام عمل مثبت ندارد. علت ردّ دعوت این است که فرد نمی‌خواهد از تعلقات خویش دست بردارد. در ردّ دعوت کسی یا کسانی انگیزه قهرمان را برای شروع سفر کم می‌کنند ممکن است ردّ دعوت از درون ما برآید و ممکن است نمود بیرونی داشته باشد. قهرمان واقعی به ندای درون، می‌گیرد ( وگلر، 1390 : 140). باید که قهرمان واقعی هرگز نمی‌تواند در برابر تغییر مقاومت کند، چه برای او همچون نفس است نگه‌داشتن آن سبب خفگی خواهد شد.

## • امداد غیبی

کسانی که ندای دعوت، پاسخ مثبت می‌دهند، از یاری حامی یا حامیانی برخوردار می‌شوند. پشتیبانان به او طلسمی می‌دهند تا او را در برابر خطرات محافظت کند ( کمپبل، 1392: 75). گرگسار همان حمایت گری است که در هر وادی با آگاه کردن قهرمان از خطری که پیش رو دارد، از او مراقبت می‌کند، قهرمان نیز با اعتماد به گرگسار، خود را برای با خطر وعده داده شده آماده می‌کند. قهرمان در مسیر ورود به ناخودآگاه، هر قدر بیشتر پیش برود، با شگفتی‌هایی بیشتر روبرو خواهد شد.

## • عبور از آستان نخستین

نوعی فنای خویشتن است و با تاختن به دشمن آغاز می‌شود زیرا امنیت و انسجام اقلیمش به هم خورده است و او جهت بازگرداندن تعادل به مأموریتی اساطیری فرستاده می‌شود. این همان فردیت از نگاه یونگ است که پختگی و رشد روانی را در بردارد و فرآیند مراحل خودشناسی است که او را از افراد دیگر جدا می‌کند.

## • شکم نهنگ

در الگوی کمپبل رحم جهان به شکل شکم نهنگ مثل شده است. در این مرحله قهرمان توسط امری ناشناخته‌ای بلعیده می‌شود و به ظاهر می‌میرد ( کمپبل؛ 1384 : 96 ). این مرحله، نوعی فنای خویشتن است همچنین قهرمان می‌تواند بجای سفر به شناخته‌ها و عبور از مرزهای شناخته‌شده دنیای عینی، به درون، سفر کند تا با به خاطر آوردن اینکه، کیست و چیست، به‌ظاهر از هستی کنونی خویشتن، نابود و در باطن دوباره متولد شود و به جاودانگی برسد.

## ب. آیین تشریف



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

گذر از مراحل گوناگون زندگی با اجرای آیین همراه است ( اسدیان ، 1384: 9 ) . یکی از مهم‌ترین آیین‌ها «آیین تشریف» است. آیین تشریف نشان گذر از خردسالی و بلوغ و ورود به دنیای بزرگسالی است. در الگوی کمپیل مرحله آیین تشریف شامل شش مرحله جاده آزمون ، ملاقات باخدا بانو ، زن در نقش وسوسه‌گر، آشتی و یگانگی با پدر، خدایگان، برکت نهایی .

## ● جاده آزمون‌ها

در ابتدای شکل‌گیری یک داستان با موضوع قهرمان، مفهوم بازخوردی محتوای آن در میان انسان‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین با نگرش به محتوا و سناریویی که برای قهرمان در این داستان تعریف شده است. وقتی قهرمان در میدان نبرد حاضر می‌شود، چه بسا که در این مبارزه جان خود را از دست بدهد. اما با تلاش و تسلط بر دشمنان خود به مقصود می‌رسد. این حرکت از سوی مطیع کردن انسان‌ها ، به‌زانو درآوردن هیولا و ... مواجهه با مخاطرات طبیعی محیط نشان داده می‌شود (گرین، 1371: 49). قهرمان، با ورود به سرزمین ظلمات، پا در جاده آزمون، می‌گذارد و باید ، یک سلسله آزمون‌ها را پشت سر گذارد تا بتواند به مرحله کنار گذاشتن دنیای کودکی و از آن بیش تر و با ظاهر شدن تصاویر تخیلی ، به دوران کودک بر می‌گردیم . در این صورت خویشتن ناشناخته خود را کشف کند( کمپیل ، 1384: 105 ) .

## ● ملاقات باخدا بانو

در الگوی کمپیل خدا بانو در تک‌تک زنان (مادر، خواهر، عروس، معشوقه) تجلی می‌یابد. بانویی که قهرمان، در خوان آخر به او می‌رسد، معیار تمام زیبایی‌ها و پاسخی به تمام خواسته‌ها و هدفی دلپذیر، برای قهرمان است. روح قهرمان، با رسیدن به خدا بانو، به آرامش می‌رسد و در پایان سفر پرخطر خود، موهبت آغوش مادر را، بازمی‌یابد. مادر کیهان، خالق جهان است و شامل تمام حلقه‌ها، رزاق تمام روزی دهندگان و زندگی بخش تمام زندگان است. دریافت حقیقت خدا بانو، درک مفهوم مادر طبیعت، یادآوری دوران کودکی و به دست آوردن موهبت عشق، است که این موهبت، چیزی به غیر از لذت بردن ، کوچکترین نمونه ایی از جاودانگی نیست ( کمپیل ، 1384: 126 ) .

## ● زن وسوسه‌گر

عده‌ای از پژوهشگران مانند استاد بهبیتی به نمادین بودن زن در اشعار عرب معتقدند. و برخی دیگر مانند عبدالملک مرتاض، برخی از موقعیت‌های مشخص شعری مانند مقدمه و مطلع قصیده را قابل قبول دانسته‌اند ( مرتاض ، 1386: 246 ) در این مرحله، قهرمان داستان با زنی خوب‌رو برخورد می‌کند. زن زیبایی خوب‌روی وسوسه‌گری که به احتمال قریب ، کهن‌الگوی زن یا همان جنبه تاریک آنیمای یونگ است. ( فون فرانتس، 1359: 282 ) ، زنی که قهرمان با کشتن همسرش، آزاد و رها می‌شود. زیبایی‌های جهان دست می‌شویید و برای رهایی از دام این شر مادر تجمل‌گرا و اصلاح‌ناپذیر و دستیابی به ملکوتی برتر به جستجوی تاریکی می‌رود؛ جوینده زندگی باید در آن سوی زندگی به فراسوی این مادررسد، از وسوسه‌های او گذر نماید و در فضایی اثیری و پاک به پرواز درآید. (کمپیل، 1386: 129).

## ● آشتی و هماهنگی با پدر

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در الگوی کمپیل کودک تدریجی طی مراحل رشد خود امنیت دامن مادر را رها می‌کند و به دمپای بزرگسالان وارد می‌شود. در این دنیا نخست به حیطه روحی پدر نزدیک می‌شود. پدر کمک می‌کند تا فرزند پا به جهان وسیع‌تری بگذارد و آن را بشناسد. پدر راهنمای فرزند است. او نشانه‌ها و سمبل‌ها را، به کسی می‌سپارد که از انرژی‌های کودکان نا به‌جا، پاک‌شده باشد از قدرت سو استفاده نکند و شایسته رسیدن به مقام اربابی دوجهان و نماینده نیروهای کیهانی باشد. فرزندى که به این‌گونه شایستگی‌ها برسد؛ دوباره متولد می‌شود. خود یک پدر می‌شود، مکانی شاد بخش و سرشار از حضور جاودان خداست ( کمپیل ، ۱۳۸۴: ۱۴۱ و ۱۴۲ ).

## • خدایگان

و به مرحله خدا گونگی می‌رسد. مرحله‌ای که از هراس‌ها و دلواپسی‌ها، رهایی می‌یابد و خطاب به معشوق، شرح دلاوری‌اش را مطمئن و محکم چون دیگر قهرمانان حماسی بیان می‌کند: « ای دختر مالک اگر از دلاوری من باخبری چرا از سواران و جنگجویان در این باره نمی‌پرسی » او اکنون قهرمانی ملی است که جان در راه وطن و قبیله فدا می‌کند و می‌تواند قبیله را تحت فرمان خود درآورد .

## • برکت

مرحله آخر برکت است آن زمان که فردیت به این باور است که تلاش برای رفع نیازمندی‌های جامعه ، مانند ایثار و فداکاری در راه نجات دیگران است. تا جایی که بیم آن دارد که در چنگال مرگ گرفتار آید و نتواند قبیله و مردمش را از شر دشمنان رهایی بخشد؛ و حتی آنگاه که به بزم می‌نشینند نیز دربند آبرو و شرف ملت خویش است .

در الگوی کمپیل قهرمان اسطوره‌ای در مراوده با خدایان به برکت و فضل دست می‌یابد. نهایت این برکت و فضل نامیرایی و جاودانگی است ( کمپیل، ۱۳۸۴: ۱۸۹ ).

## ج. بازگشت

به نظر کمپیل ، مرحله بازگشت همان اجتناب از برگشت به رویه اولیه است ، که با عناوینی هم چون پرهیز از بازگشت ، دست نجات از خارج و فرار جادویی در زندگی جاری و ساری است .

## • پرهیز از بازگشت

در الگوی کمپیل هنگامی که اسطوره قهرمان به مرتبه نفوذ د میان مردم و منبع برکت می‌رسد دیگران سعی می‌کنند او را از ادامه راه منصرف کنند و او نمی‌پذیرد ( کمپیل، ۱۳۸۴: ۲۰۳ ).

## • فرار جادویی

در نمونه کمپیل قهرمانی که به هنگام پیروزی دعا خیر خدا بانو و یا دیگر خدایان را به همراه دارد مأمور است با اکسیری برای احیای جامعه به جهان بازگردد. در این حالت همه نیروهای حامی فوق طبیعی حافظ او هستند ( کمپیل، ۱۳۸۴: ۲۰۶ ).

## • ارباب دو جهان و آزاد و رها

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قهرمان با پیروزی بر مشکلات راه سفر خود را چون موانع راه و دیگری تحمل دوری از معشوق بر مشکلات پیروز می‌شود. هرگاه شرافت قبیله به خطر می‌افتد، قهرمان مداخله می‌کند و موفق می‌شود و ازبرکات سفر یعنی آقایی و سروری واسطوره شدن در میان مردمش، متنعم شود. (آیتی، 1371: 53).

## • تن کامگی معشوق در عاشقانه قهرمان

یکی از زمینه‌های موجود در عاشقانه قهرمانی، زمینه اروتیک یا تن کامگی (شهوایی بودن) بخشی از احساسات قهرمان نسبت به معشوق است. عشقی که در این داستان‌ها روایت می‌شود، به‌طور معمول صبغه پاک‌دامنی و معنویت صرف (عشق عذری یا افلاطونی) ندارد و جسمیت و جاذبه اندام‌وار عاشق و معشوق که از تأکید بر زیبایی و جذابیت‌های آن دو آغاز شده، به کام‌گیری آن‌ها از یکدیگر ختم می‌شود، نقش مهمی در این روایات بازی می‌کند.

## • پشیمانی از گناه و تصعید قهرمان

عشق اروتیک وقتی به شکل خود تبلور پیدا می‌کند در مقابل گذر از تابلوه‌های اخلاقی جامعه، به بن‌مایه جان شمول «گناه» منجر می‌شود احساسی که حاصل پشیمانی روحی پس از کام‌جویی است و زمینه آن در رمانس‌های قهرمانی بسیار مشاهده می‌شود

## 5. داستان‌ها و شاخص‌های قهرمانی در آثار محمد رضا بایرامی

نام داستان	شاخص‌های قهرمان
داستان بر لبه پرتگاه	مباحثه کردن، شجاعت، حرف گوش نکردن
داستان در ییلاق	برعهده گرفتن کارها و کمک کردن، بحث و مباحثه کردن، داشته‌های خود را بهتر جلوه دادن، عزت نفس، ناراحت کردن
داستان سایه ملخ	اعتماد به نفس، حساس بودن دخترها، داشته‌های خود را بهتر جلوه دادن، شیطنت و بازیگوشی، مودب بودن، ترس، مسخره کردن، ناراحت کردن
داستان دشت شقایق‌ها	ترس

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

داستان عقاب های تپه 60	اعتماد به نفس ، برعهده گرفتن کارها و کمک کردن، به اشتباه خود پی بردن ، بحث و مباحثه کردن ، حرف شنوی، شجاعت، مودب بودن
داستان هفت روز آخر	کردار های بزرگ و ملی قهرمان
داستان لم یزرع	عینیت ، اقتدار ، عظمت ، سادگی و راست نمایی
داستان باد و کاه	ترس
داستان سه گانه ای برای یه گانه	مرحله تشریف
داستان کوه مرا صدا زد	اعتماد به نفس، ناراحت کردن ، احترام گذاشتن
داستان به دنبال صدای او	کم حرف بودن ، ناراحت کردن
داستان عیدی مادر بزرگ	برعهده گرفتن کارها و کمک کردن ، حرف گوش نکردن، قهر کردن، احترام گذاشتن
داستان بر پل معلق	فوق العاده بودن اعمال قهرمان
داستان گرگ ها از برف نمی ترسند	اعتماد به نفس، پی بردن به اشتباه خود ، شجاعت، عزت نفس
داستان مردگان باغ سبز	اعتماد به نفس، برعهده گرفتن کارها و کمک کردن، ترسیدن، قهر کردن ، مسخره کردن ، ناراحت کردن
داستان فصل دور کردن خرمن	قهرمان قومی و ملی بودن شخصیت حماسه، مؤدب بودن،

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ناراحت کردن

## 6. مقایسه شاخص‌های قهرمان در نوشته‌های بایرامی و تبیین آنها با نظریه‌های سابق.

با توجه به نظریه‌هایی که در رابطه با شاخص‌های قهرمانی ارائه شد می‌توان گفت که شاخص‌های قهرمانی در داستان‌های محمدرضا بایرامی با قهرمان قومی و ملی بودن شخصیت حماسه، خارق العاده بودن اعمال قهرمان، کردارهای بزرگ و ملی قهرمان، عینیت و اقتدار و عظمت و سادگی، برکت، صحنه‌پردازی همخوانی دارد و با نظریه‌های شاخص‌های قهرمانی همچون کشته شدن هیولا یا جانور مهیب، زن و سوسه‌گر همخوانی ندارد. وی در آثار خود مفاهیم دینی، اخلاقی، تربیتی و آموزشی، اجتماعی، توصیف طبیعت، پایداری جایگاه ویژه‌ای دارد و شجاعت و اعتماد به نفس در داستان‌های بایرامی از مهمترین شاخص‌ها می‌باشد.

## 7. نتیجه گیری:

بایرامی از جمله نویسندگان واقع‌گراست که در داستان‌هایش بیشتر به زندگی و طبیعت روستای زادگاهش و تجربه‌های شرکت در جنگ ایران و عراق پرداخته و به زبانی ساده، روان و دقیق زندگی توأم با فقر و زحمت اهالی و روابط میان آنها را به تصویر می‌کشد.

محمدرضا بایرامی از جمله نویسندگان مشهور و صاحب‌نام در حوزه‌ی ادبیات کودک هستند که در آثار خود مفاهیم اخلاقی، دینی، آموزشی و تربیتی، اجتماعی، پایداری، توصیف طبیعت جایگاه ویژه‌ای دارد. بعد از بررسی از آثار این نویسنده نتیجه‌ای که حاصل شد نشانگر این بود که نویسنده سعی داشت در آثاری که برای کودکان به رشته‌ی تحریر در آورده، کودک با داستانانش داده و به شیوه‌های مختلف مفاهیم فوق‌را به وی القا کند. نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که نویسنده از پند و اندرز مستقیم و زنده و تند خودداری کرده است و بیشتر سعی بر این دارد مفاهیم مورد نظر خورد را به صورت غیرمستقیم و گاه در قالب حکایت و داستان‌های کوتاه یا به صورت ضرب‌المثل و گاه در قالب شخصیت‌ها و قهرمان و ضد قهرمان به کودک انتقال دهند تا کودک این مفاهیم را به خوبی درک کند بایرامی نویسنده‌ای است که خود جنگ را دیده و لمس کرده است. او تقریباً روال ثابتی در آفرینش آثارش دارد و هیچ‌گاه یک سوژه و حس را بلافاصله به داستان تبدیل نمی‌کند. در واقع به قدری با آن زندگی می‌کند و پر و بالش می‌دهد و در خواب و بیداری به آن فکر می‌کند تا اینکه اعماق و ابعاد یابد.

ابتدا یک چیز مبهمی به ذهنش خطور می‌کند که فقط می‌داند احتمالاً داستان می‌شود که این خودآگاه نیست. در ناخودآگاه روزنه‌ای برایش باز می‌کند که در طول ده یا بیست سال چیزهای هم‌جنس و مربوط در آن جمع می‌گردد و آهسته انسجام و قوام می‌گیرد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در آثار بایرامی نویسنده سعی دارد تا مخاطب را به روش های مختلف به سوی مفاهیم اخلاقی سوق دهد. مفاهیمی مانند دانایی ، عدالت ، راستگویی ، قناعت ، کمک به هم-نوع ، اعتماد به نفس ، برعهده گرفتن کارها و کمک کردن ، مسخره کردن ، به اشتباه خود پی بردن ، مباحثه کردن ، حرف-شنوی ، شجاعت ، مودب بودن و ... از جمله مفاهیمی است که بیشترین بسامد را در آثار نویسنده دارد زیرا اخلاق مهم ترین مفهومی است که در زندگی کودک و نوجوان و ارتباط او با دیگران و آینده ی او تاثیر بسزایی دارد .

در داستان های بایرامی شخصیت های داستان که بیشتر کودک و نوجوان هستند در روستا زاده شده اند و رنج و سختی فراوانی را تحمل می کنند . از نقاط ضعف این داستان ها می توان به خشک و سرد و خشن بودن طبیعت در بیشتر داستان ها، بزرگ جلوه دادن مشکلات و سختی های زندگی روستایی و کمتر بهادادن به خوبی ها و مزایای زندگی روستایی و ... را می توان برشمرد.و از نقاط قوت این داستان ها می توان به برقراری ارتباط تصویری و کلامی مناسب با مخاطب کودک و نوجوان ، گنجاندن مفاهیم اجتماعی ، اخلاقی، تربیتی، آموزشی ، دینی و مذهبی ، بازی و سرگرمی و استفاده از مفاهیم مقاومت و پایداری ، ارزش های دفاع مقدس و حفظ سرزمین ، استفاده از قهرمانان ملی در داستان ها و ... اشاره کرد. با توجه به این مساله که بایرامی در اکثر نوشته های خود به دوران جنگ اشاره داشته است بنابراین اکثر قهرمانان نوشته های بایرامی شخصیت جنگاوری و رشادت، قهرمان قومی و ملی بودن شخصیت حماسه، خارق العاده بودن اعمال قهرمان ، استفاده از انواع سلاح واصطلاحات جنگی را داشته اند.دراکثر نوشته های بایرامی قهرمانان آن داستان ها فداکاری ، ایثار، قوی بودن در برابر مشکلات و خود ساختگی را دارند . از آنجایی که خود نویسنده انسان مذهبی است در داستان های بایرامی به مسائل مذهبی زیاد توجه می شود . اعتقادات عمیق شخصیت های کودک و نوجوان بایرامی باعث می شود تا شخصیت های نسبتاً ایده آل در داستان به وجود بیاید و مذهب تاثیر مثبت خود را بر روی خواننده بگذارد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## 8. منابع

1. انوشه ، حسن (1357) ، دانشنامه ادب فارسی ، ج 2 ، تهران : دانشنامه ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان چاپ و انتشارات
2. میر صادقی ، جمال ( 1376 ) ، ادبیات داستانی ، چاپ سوم ، تهران : سخن
3. کادن ، جی . ای (1380) ، فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد ، ترجمه کاظم فیروزمند ، تهران : شادگان
4. کریستن سن ، آرتو امانوئل ( 1368 ) ، کیانیان ، ترجمه دکتر ذبیح الله صفا ، تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، چاپ پنجم ، صص 124-125
5. سگال ، رابرت آلن (1389) ، اسطوره ، ترجمه فریده فرنودفر ، تهران : بصیرت
6. زرین کوب ، عبدالحسین ( 1389 ) دوقرن سکوت ، تهران : امیر کبیر
7. جعفریان ، رسول (1375) ، تاریخ تشیع در ایران ، قم ، انصاریان
8. بایرامی ، محمدرضا ( 1390 ) ، عقابهای تپه 60 ، چاپ چهارم ، تهران : سوره مهر
9. بایرامی ، محمدرضا ( 1389 ) ، به دنبال صدای او ، چاپ سوم ، تهران : سوره مهر
10. بایرامی ، محمدرضا ( 1387 ) ، فصل درو کردن خرمن ، چاپ اول ، تهران : سوره مهر
11. بایرامی ، محمدرضا ( 1383 ) ، دود پشت تپه ، چاپ پنجم ، تهران : قدیانی
12. بایرامی ، محمدرضا ( 1387 ) ، افسانه اژدها و آب ، چاپ سوم ، تهران : قدیانی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

13. بایرامی ، محمدرضا (1389) ، سایه ملخ ، چاپ چهارم ، تهران : سوره مهر
14. بایرامی، محمدرضا (1390) ، برخوردار نزدیک ، چاپ اول ، تهران : نیستان
15. بایرامی، محمدرضا (1390) ، گرگها از برف نمی ترسند، چاپ دوم، تهران: قدیانی
16. بایرامی، محمدرضا (1389) ، در بیلاق، چاپ دوم، تهران: سوره مهر
17. بایرامی، محمدرضا (1387) ، کوه مرا صدا زد، چاپ پنجم، تهران: سوره مهر
18. بایرامی، محمدرضا (1390) ، عقاب های تپه 60 ، چاپ چهارم، تهران: سوره مهر
19. بایرامی ، محمدرضا (1388) ، پل معلق ، چاپ دهم ، تهران : نشر افق
20. کمپیل ، ژوزف (1392) ، قهرمان هزار چهره ، ترجمه شادی خسرو پناه، مشهد: گل آفتاب گردان
21. نیچه ، فردریش (1387) ، غروب بت ها، ترجمه داریوش آشوری، تهران : آگاه
22. وگلر، کریستوفر (1390) ، ساختار اسطوره ای در فیلم نامه ، ترجمه عباس اکبری، تهران: نیلوفر
23. گرین ، تامس م (1371) ، معیارهای حماسه ، ترجمه مهدی افشار ، صص 779 و 49
24. مرتاض ، عبدالملک (1386)، بررسی نشانه شناختی معلقات سبع، ترجمه سیدحسین سیدی مشهد: دانشگاه مشهد
25. آیتی ، عبدالحمید (1371) ، ترجمه معلقات سبع، تهران: سروش، چاپ سوم